



مرگ را با همه وجودش لمس کرد، بارها از این رودخانه گذشته بود و باور نمی کرد وحشتناک ترین صحنه عمرش در همان رودخانه رخ داده باشد. دهامای روستایی ها پشت و پناهی بود.

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پروندهها / داستان های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... از امروز در ۴ صفحه ویژه

تیترها

موشکافی بدترین سرقت در تهران و عواقب آن

سرقت ابزار نجات دهنده آتش نشانان در صحنه عملیات

تجهیزات امدادی داخل ماشین های آتش نشانی مثل جعبه ابزار، تیرو... بیمه سرقت نیستند و امدادگران باید در صورت سرقت وسایل، خسارت را از جیب خود بپردازند.

۱۸

استعدادی که در مسیر سیاه رشد کرد سرنوشت تلخ دزد ۵ ثانیه ای پایتخت



مردی ۲۵ ساله به جرم سرقت باتری خودرو دستگیر شده است در حالی که برخی می توانست با استعداد و توانایی هایش یک زندگی آبرومندانه تشکیل دهد.

۱۶



دختران چشم آبی

۱۷

مهشید فقط ۱۳ ساله است اما فریب عشق را خورده است

کابوس های دختر عاشق پیشه از روز سیاه

کابوس های روز سیاه دختر عاشق پیشه در خلوت جوان مسود علاقه اش تا جایی پیش رفت که دخترک را پریشان کرد، او به فکر نبودن و خودکشی افتاد و اگر مادرش نبود فاجعه ای رخ می داد.

۱۶

اتاق درمان

زنانی که نوزاد می دزدند!

۳ پرونده نوزاد ربایی زیر ذره بین روان شناسی

بررسی پرونده های آدم ربایی مربوط به رسیده شدن نوزادان مشخصات و ویژگی های روانی زنان را آشکار می کند که حاضرند فرزند زنان دیگری را بدزدند.

۱۷



دختر کبکسایه اولین قربانی

روایت جوان فداکار

قهرمان این قصه جمال چاپری است، جوانی اهل کوت عبدالله که در نزدیکی بازار کوی مدنیان دستفروشی می کرد. در میان همه کسانی که آن شب اطراف حوضچه تجمع کرده بودند او تنها کسی بود که نتوانست تماشای بی قراری و صحنه های پدر و مادر جنان کوچولو را تحمل کند و داخل حوضچه رفت و کودک را بیرون آورد.

جمال ۲۸ ساله که بعد از گذراندن ثانیه های سخت و تلخ شب حادثه هنوز هم صدایش از ناراحتی گرفته است در گفت و گو با خبرنگار ما می گوید: «ساعت حدود ۲ شب بود و ما بساط را جمع کرده بودیم و می خواستیم به خانه برویم. در نزدیکی حوضچه متوجه شلوغی شدم و فهمیدم که حدود سه ساعت قبل یک کودک خردسال در حوضچه سقوط کرده است. مادر و پدرش بی قرار بودند و به سر و صورت خود می کوبیدند. صدای صحنه های مادرش انگار به قلب آدم خنجر می زد. جلورفتم و دیدم امدادگران آتش نشانی نردبانی داخل حوضچه گذاشته بودند و می خواستند وارد آنجا شوند و بچه را بیرون بیاورند. هوا خیلی تاریک بود و فکرمی کردم پیدا کردن دخترک کار سختی باشد. یک آتش نشان که او را سید صدا می زدند وارد حوضچه شد، من هم جلو رفتم گفتیم می خواهم کمک کردم و پایین رفتم. چند دقیقه ای کشتم و بالاخره جنان کوچولو را پیدا کردم و بیرون آوردم.»

جمال چاپری مرد فداکار

عروسک های سیاه پوش

برپا بود و اعتراض ها به بی اهمیتی رسیدگی به وضعیت جوی های روستا و جاه های فاضلاب بدون درپوش تمامی نداشت، اما انگار آبها که از آسیاب افتاد بازم همان آس و همان کاسه! دوباره وضعیت خطرناک جوی ها و جاه های روستا بلا تکلیف رها شد. حتماً مسئولین هم مثل مردم مستحضر هستند که یکی از عوامل مهم این پیشامدها دزدی درپوش های چدنی است و لابد می دانند سهل انگاری پیمانکار چه فاجعه ای ممکن است خلق کند، اما باز هم پایان خط همه این کشمکش ها درباره این موضوع، این بار با تصور یک پیمانکار دیگر به یک نقطه تلخ و سیاه رسید: مرگ دخترچه دوونیم ساله به نام جنان کوچولو در حادثه سقوط به حوضچه پمپاژ فاضلاب!

گفت و گو با مردی که شاهد ماجرا بود

حادثه مرگبار برای جنان کوچولو درست در شب عید فطر رخ داد. اول اردیبهشت امسال در بازارچه کوی مدنیان قوق و شوق مردم از رسیدن بزرگ ترین عید مسلمانان موج می زد. در شیرینی فروشی ها جای سوزن انداختن نبود و هر کس از بازار بیرون می آمد یک بغل نقل و شیرینی همراهش بود. بوی گلاب و وانیل در بازار به مشام می رسید و جو شادی بین مردم به راه بود. ساعت نزدیک ۱۱ شب بود اما همچنان بازار به ساعت های آخر شب شباهت نداشت. پدر جنان کوچولو ماشینش را نزدیک حوضچه پمپاژ فاضلاب کارون پارک کرده بود. هوا تاریک بود و در آن منطقه دریغ از یک چراغ روشن!

حوادث مرگبار مشابه با مرگ جنان کوچولو

مرگ دخترک یک ساله در جوی روستا

مرداد سال ۹۹ بود که دخترک یک ساله یک کارگر روزمزد در کوی سنجی اهواز به یک جوی روستا سقوط کرد و جان باخت. دخترک به همراه خواهر ۱۲ ساله اش در کوجه در حال بازی بودند که این حادثه تلخ رخ داد.

سقوط دانیال به جوی روستا

اسفندماه سال ۹۹ قیلم لحظه سقوط مرگبار بسیرجه ای به نام دانیال نوازی ۲ ساله در یک جوی روستا در فضای مجازی دست به دست چرخید. حادثه در یکی از محله های کوت عبدالله رخ داده بود و در میان زندگی سخت مردم کوت عبدالله داغ

مبین شاورزی

چاپری قربانی

فارس حیدری

دانیال نوازی

دومین قربانی

چاپری قربانی

چاپری قربانی

چاپری قربانی

چاپری قربانی

قتل عابر بیگانه در شهرک ولیعصر

قرار گرفت. در تحقیقات مشخص شد که این جوان افغان کارگر کارگاه میل سازی در یافت آباد بوده که شب حادثه بعد از اتمام کارش در حال عبور از خیابان برای رسیدن به خانه بود. رفیق او نیز همراهش بود که از تیراندازی ارادل و اوپاش در امان ماند. رسیدگی به این موضوع تا پیدا شدن ردی از عاملان این جنایت در دستور کار بازپرس جنایی قرار دارد.

ساعت ۱۱ شب اول اردیبهشت، ارادل و اوپاش در میدان اینارگران شهرک ولیعصر با یکدیگر درگیر شدند. در این درگیری دو خودرو اقدام به تعقیب و کل کل با هم کرده و کار به تیراندازی کشید. در جریان تیراندازی اشرا، گلوله ای به یک عابریاده ۱۸ ساله اصابت کرد و جوان بیگانه به قتل رسید. بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدرضا صاحب جمعی بازپرس کشیک قتل پایتخت

کشف جسد نوزاد در خیابان وحدت اسلامی

آن وجود دارد. اول اینکه احتمال می رود این خراش جای چاقو باشد و دوم اینکه احتمال می رود این خراش ها جای پنجه گربه یا حیوان دیگری باشد. جسد این نوزاد با دستور قضایی برای روشن شدن علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و رسیدگی به این موضوع برای روشن شدن راز ماجرا ادامه دارد.

مرد زباله گردی روز گذشته در سطل آشغالی در خیابان وحدت اسلامی جسد یک نوزاد دختر را پیدا کرد. او موضوع را بلافاصله به مأموران پلیس اطلاع داد. همزمان رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدحسین زارعی بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. بررسی های ابتدایی نشان می داد خراشی روی بدن نوزاد وجود دارد که دو فرضیه در مورد